

کتاب ناحوم

پیشگفتار

۱- نخست شاهد یک «مزمور» هستیم (۸-۲:۱) ناحوم تاحدی به شیوهٔ مقدمه‌های سایر کتب نبوتی (ر.ک. عا ۱:۲؛ میک ۴-۲:۱؛ صف ۱:۲-۳)، اما با تأکیدی بیشتر، ما را با کسی که بر همه چیز سلطه می‌راند، رویارو می‌سازد. اگر در اینجا خداوند قبل از هر چیز تحت جلوهٔ ترسناک داور حاکم بر تمام جهان ظاهر می‌شود، اما جلوهٔ دیگر چهرهٔ او نادیده گرفته نمی‌شود (ر.ک. آیات ۳ و ۷)، جلوه‌ای که اندکی بعد، به گونه‌ای بارزتر نمایان می‌گردد (ر.ک. توضیح ۱:۳). این بخش نخست، در مجموع، حالتی نسبتاً عمومی دارد و بیرون از چارچوب زمان و فضا قرار دارد؛ در آن اشارات به تاریخ نجات به شکلی نهفته و پوشیده صورت می‌گیرد (ر.ک. آیات ۳-۴). اما در بخش پایانی آن، گویی چارچوب تاریخی خاص کتاب سر بر می‌آورد (آیه ۸).

۲- در بخش دوم (۱:۹ تا ۳:۲) این چارچوب با صراحت بیشتری نمایان می‌شود. با این حال، تفسیر برخی عناصر موجود در «وحی‌هایی» که در این بخش آمده، امری حساس باقی می‌ماند (ر.ک. توضیح ۱:۹؛ توضیح ۱:۱۲).

۳- و بالاخره، سرور و سپاسگزاری به خاطر سقوط نینوا می‌آید (۲:۴ تا ۳:۱۹)

ناحوم، «تسلی دهنده»
ناحوم هفتمین نبی در میان انبیای کوچک است. نام او به معنی «تسلی یافته» است، لذا می‌تواند تسلی نیز بدهد (۲-قرن ۱:۴)؛ از این رو او را «تسلی دهنده» می‌نامند. در کتاب مقدس کسی دیگر این نام را ندارد؛ فقط چند نام هم معنی با آن وجود دارد: مناخیم (۲-پس ۱۵؛ اع ۱۳:۱؛ ر.ک. ۴:۳۶)؛ هم چنین باید به نام نحمیا نیز اشاره کرد (ر.ک. توضیح نح ۱:۱).

او برای خویشانش تسلی ۲ به همراه می‌آورد، تسلی‌یی که به ایشان این امکان را می‌دهد تا در دوره‌ای بسیار تاریک، به مدد امیدی که می‌یابند، راست قامت بایستند (ر.ک. روم ۱۵:۴-۵).

این امید که او را انگیزش می‌دهد و او آن را با قدرت ایمان اعلام می‌دارد، برخاسته از پیروزی قطعی خداوند است، حتی اگر دشمنانش بسیار قدرتمند به نظر برسند (۱۲:۱؛ ۳:۵-۱۷). دشمنانی که هم مانند شیر هراس انگیزند (۲:۱۲-۱۴) و هم بسیار فریبکار (۳:۴).

کتاب ناحوم

کتاب او (۱:۱) به تناوب همین موضوع اساسی را در سه حالت متفاوت بسط می‌دهد:

خصوصاً اینکه پیشگویی سقوط نینوا نیز تحقق یافته بوده است؛ اما نظر اکثریت مفسران این است که وحی های این کتاب (که وحی هایی واقعی به شکل پیشگویی می باشند) و حتی نگارش کتاب را باید به دوره ای پیش از سقوط نینوا (۶۱۲ ق.م.) و پس از غارت تیس (۶۶۳ ق.م.) مربوط دانست (به یاد داشته باشیم که در ۸:۳-۱۰ به غارت تیس اشاره شده است). اگر به دنبال دلایل دقیق تر باشیم، باید به این نکته توجه کنیم که مطابق ۱۳:۱، یهودا هنوز زیر سیطره آشور قرار دارد، این امر ما را به زمانی پیش از مرگ آشوربانیپال هدایت می کند (ر.ک. توضیح ۱۳:۱). اما در ضمن، به این واقعیت نیز باید توجه داشت که حالت پرتحرک و زنده بودن برخی از خطوط تصاویر موجود در فصل های ۲ و ۳، این سؤال را مطرح می سازد که آیا اشاره ای که در آنها به تهاجم به آشور شده (۱۲:۳-۱۳)، و حتی به آغاز محاصره نینوا (۲:۲، ۴-۵؛ ۳:۲-۳، ۱۴)، آن هم دقیقاً از سوی بابلی ها و مادها که رنگ لشکریانشان احتمالاً قرمز بود (۲:۴)، به رویدادهایی دلالت نمی کنند که به تازگی رخ داده اند. اما اگر بخواهیم به این شکل به این وحی ها بنگریم، گویی می خواهیم جزئیاتی از توصیفاتی تخیلی بیرون بکشیم که خود آنها چنین قصدی نداشته اند؛ در ضمن، اشارات قطعی تری که در بخش دوم کتاب آمده، با چنین جزئیاتی تناقض دارد.

اگر بکوشیم دست به چنین خیال پردازی هایی بزنیم، ممکن است مقصود خود نبی و ماهیت اموری را که با چنین قوه تخیلی ارائه می دهد، درست درک نکنیم.

حتی به طور دقیق تر می توان گفت «دعا» برای سقوط نینوا، یا «تجسم» نابودی نینوا در اوج قدرتش، البته «تجسم» در معنای شدید آن، تا سرحد دعایی کارساز. در اینجا مجموعه ای از تابلوهایی بسیار پرمفهوم و مستقل از یکدیگر را مشاهده می کنیم که هر یک جنبه های گوناگون شهر و نابودی آن را جلوه گر می سازد. این شهر بدل به نماد می شود (ر.ک. توضیح ۸:۱) و حتی مجازات آن و نیز پادشاهش، تبدیل به درس عبرتی جهان شمول می گردد: «تورا سرشکسته ساخته، به نمایش خواهیم گذارد» (۶:۳). و چنانچه خداوند مداخلت می کند، آن هم این چنین خارق العاده، قطعاً به خاطر رهایی مظلومان (۳:۱۹) و نجات خاصانش (۱:۷):

۱:۲، ۳) می باشد.

در اینجا ما به همین نکات در خصوص کتاب و تقسیم بندی اش به سه بخش اکتفا می کنیم و وارد مباحث مبسوط و استدلالات مربوط به وحدت کتاب نمی شویم.

ناحوم و سقوط نینوا

برخی نظریه ای استنادانه ارائه داده و کوشیده اند کتاب ناحوم را همچون کتابچه آیین نیایش معرفی کنند که در اورشلیم، در پاییز سال ۶۱۲ ق.م. برای برگزاری مراسم عید سال نو و همزمان با سقوط نینوا نوشته شده و به کار رفته، چرا که سقوط این شهر به طور خاص نمایانگر پیروزی خداوند بر دشمنانش بود. درست است که مزموور آغازین کتاب حالتی عبادتی به آن می بخشد؛ و درست است که این مزموور، بازخوانی کتاب را، همراه با شکرگزاری از خداوند، تسهیل می کند،

کل کتاب بیش از همه تحسین انگیز است، چه سرود آغازین (ر.ک. توضیح ۲:۱) و چه تحرک استیضاحات و توصیفات بخش های دوم و سوم آن. عنوان کتاب که آن را «رؤیا» (کلمه ای از خانواده رؤیت) می نامد (۱:۱)، بسیار پرمفهوم است: ناحوم می بیند و نشان می دهد.

اما آنچه که در این رؤیای پرتب و تاب بیشتر جلب نظر می کند، احساساتی است که او را به حرکت وا می دارد، و نیز شور و شوق ایمان او؛ بدینسان، او علی رغم ظاهر امور، با نیرویی ناشی از یقینی تزلزل ناپذیر که از بالا دریافت داشته، تأکید می کند که پیروزی از آن خداوند خواهد بود و از هم اکنون نیز از آن خداوند است.

همچنین، در فراسوی اختلاف های سطحی ای که ظاهراً می توان میان ناحوم و انبیای بزرگی همچون ارمیا تشخیص داد، باید پذیرفت که او از همان تحرک و قدرت آنان برخوردار است، قدرتی که ناشی از رابطه ای استثنایی با خدای زنده، خداوند و ارباب تاریخ و تمامی بشر، می باشد.

برای مثال، وقتی به توازی موجود میان ۱۳:۱ و ار ۱۱:۲۸ توجه می کنیم، در نگاه اول وسوسه می شویم که ناحوم را کم و بیش از زمره انبیایی نظیر حننیا بدانیم که ارمیا به مخالفت با او برخاست، اما وقتی دو یا سه صفحه در کتاب ارمیا جلو می رویم و آیه ۸ از فصل ۳۰ را مدنظر قرار می دهیم، مشاهده می کنیم که ارمیا نیز در قالب اصطلاحاتی مشابه، به پیشگویی رهایی بعد از مجازات پرداخته، همان کاری که اشعیا نیز به آن مبادرت ورزید (برای مثال، در ۱۰:۱-۵:۱۹؛

دغدغه خاطر و نقش نبی فقط این نیست از یک موقعیت سیاسی مشخص و تحلیل سطحی آن، نتایجی آنی استخراج کند؛ او پیش از هر چیز، می کوشد به هموطنان سردرگم خود دیدگاه و نگرشی مبتنی بر ایمان ارائه دهد و این نگرش را همچون کلام مؤثر و کارساز خدا وارد تاریخ سازد، کلامی که او از خدا دریافت داشته است. به همین دلیل است که در تفسیری که در سال ۱۹۷۱ بر کتاب ناحوم نوشته شده، اعلام وحی ها و نگارش کتاب خیلی راحت درست به ماه های پس از رویداد عظیم سال ۶۶۳ ق.م. (ر.ک. توضیح ۸:۳) مربوط شمرده شده، و نه به کمی پیش از سال ۶۱۲ ق.م.؛ نویسنده این تفسیر این نتیجه را بر اساس مجموعه ای از داده های کتاب اخذ کرده که ما آنها را در توضیحات متن آورده ایم. همچنین داده های دیگری را نیز که از برخی منابع نقادانه دیگر برگرفته شده مورد اشاره قرار داده ایم.

در ضمن، به عنوان داده ای ثانوی، می توانیم به نکته ای از سنت اشاره کنیم که البته تفسیر آن امری حساس است، و طو ۴:۱۴ (همچنین ر.ک. آیات ۱۲-۱۵) نیز بازتابی از آن می باشد؛ طبق این سنت، ناحوم را نبی ای به شمار می آورده اند که آینده ای دور را پیشگویی کرده؛ همچنین، طبق نوشته «صدر اولام» تاریخ نگاری ربی مآبانه دوره میشنا، ناحوم و یوئیل رسالت نبوتی خود را در دوره سلطنت منسی انجام داده اند.

ناحوم در مقام نبی

برخی از جنبه های نظم عبری کتاب ناحوم بسیار قابل توجه است؛ اما خصوصیت ادبی

یافت شده، جالب توجه می باشد. این تفسیر که متعلق به حدود یک صد سال پیش از میلاد است، به شیوه خاص خود بیانگر این واقعیت است که مؤمنان چگونه در کتاب ناحوم، کلام خدا را برای روشن ساختن مقاطع مختلف تاریخ کشف می کرده اند.

توضیحات

- ۱- فقط در لوقا ۳: ۲۵، در نسب نامه عیسی، به شخصی به نام «ناحوم» در کنار نام سایر انبیا اشاره شده (ر.ک. توضیح لو ۳: ۲۳): و در نح ۷: ۷ نیز از کسی به نام «نَحوم» نام برده شده است.
- ۲- یونس این تسلی را از طریق دعوت به توبه تا به نینوا برد، اما این امر برای ناحوم غیرقابل قبول می نماید (۷: ۳).
- ۳- ر.ک. حزق ۲۳: ۱۴ در خصوص بابلی ها و هرودوت برای مادها. اما رنگ آشوریان قاعدتاً می بایست «ارغوان بنفش» بوده باشد (حزق ۲۳: ۵-۶؛ ر.ک. ۷: ۲۷).
- ۴- سقوط بابل را ارمیا نیز نیم قرن پیش از آن پیشگویی کرده بود؛ ر.ک. توضیحات ار ۵۱: ۵۹ و توضیحات ار ۱: ۵۰.
- ۵- این امر در خصوص یوئیل نیز چندان غیرمحمتمل به نظر نمی رسد؛ ر.ک. مقدمه کتاب یوئیل.
- ۶- ر.ک. یسو ۲: ۴-۹ و نسا ۲: ۴-۵، ۱۱: ۳-۲.

۲۴-۲۷). پس نباید تعجب کنیم که در چهل و هفت آیه کتاب ناحوم، تمام جنبه های موعظه هایی را که در کتاب هایی نظیر کتاب ارمیا می یابیم، مشاهده نکنیم. مثلاً می دانیم که حسادت خداوند به تناوب، شکل های مختلفی به خود می گیرد (توضیح ۱: ۲): پس جای تعجب نیست چنان چه صدای منادیانش نیز لحن هایی متفاوت به خود بگیرد! همه این انبیا که در بطن سنتی مشترک به هم پیوسته اند، می دانند چگونه به نوعی از یکدیگر الهام بگیرند، یا کار یکدیگر را تداوم بخشند یا آن را تکمیل کنند؛ و این همان کاری است که مثلاً یونس با کتاب ناحوم انجام می دهد و افق دید او را گسترش می بخشد. یوئیل که به نظر می رسد گاه از عناصر موجود در توصیف سقوط نینوا بهره می گیرد، از آن در تداوم کار ناحوم استفاده می کند تا رویدادی با گستره ای جهان شمول تر را اعلام کند، یعنی رویداد روز خداوند را. می دانیم که تصویر مورد استفاده ناحوم در مورد ملخ ها (۳: ۱۵-۱۷)، از سوی یوئیل به کار گرفته می شود تا به آن مصیبت اعلی اشاره کند (ر.ک. مقدمه کتاب یوئیل). چنین قرابت هایی را می توان میان ناحوم و بسیاری دیگر از انبیا بر شمرد.

توضیحاتی که برای متن کتاب داده ایم، حاکی از تفاوت هایی است که میان قرائت های مختلف متن وجود دارد؛ در این میان، بخش هایی از تفسیری که در قمران

کتاب ناحوم

۱ وحی^a درباره نینوا^b - کتاب رؤیای ناحوم القوشی^c.

سرود برای خداوند پرهیبت و نیکو^d

^۲یهوه خدایی است حسود^e و انتقام کش،

یهوه انتقام کش است و غضبناک^f!

یهوه از مخالفانش^g انتقام می گیرد

اش: ۱:
حز: ۷: ۲۶:
عوا: ۱: ۲: ۳-۲

ار: ۴: ۴:

تث: ۷: ۱۰:
بنسی: ۱۲: ۶:

- a در خصوص این عنوان، ر.ک. اش ۱:۱۳؛ ۱:۱۵؛ ۱:۱۷؛ ۱:۱۹؛ ۱:۲۱؛ ۱:۲۲؛ ۱:۲۳؛ ۱:۳۰: ۶:.
- b منشاء نینوا، پایتخت تاریخی امپراطوری آشور، به هزاره پنجم ق.م. باز می گردد. این شهر در بین سده های دهم تا هفتم ق.م. در دوره امپراطوری نوین، به اوج رونق خود رسید.
- c القوش شاید شهرکی در یهودا باشد که ایفاناس در حوالی بیت جبرین به دنبال آن می گشت. اما به جروم می گفتند که این شهرک در ناحیه جلیل واقع بوده است. گاه نیز نام کفرناحوم را «شهر ناحوم» تعبیر کرده اند. از قرن ۱۶ م. به بعد، دهکده مسیحی ال قوش در شمال موصل، همان نینوای قدیم را زادگاه ناحوم تلقی کرده اند. اما صفت «القوشی» شاید فقط یادآوری نمادین باشد از موهبت باران هایی که دیگر انتظارش نمی رفت و میوه های آخر پاییز (از ریشه ل-ق-ش).
- d سبک ادبی ای که در ساختار این سرود به کار رفته، در عبری نسبتاً متداول است، به این ترتیب که در حول بیت مرکزی (ad) و تمام عناصر دو به دو و به گونه ای کم و بیش منسجم به یکدیگر پاسخ می دهند. سه بیت مقدمه (آیات ۲-۳b)، به سه بیت نتیجه گیری (آیات ۷-۸) مرتبط است؛ ر.ک. آیه ۳، توضیحات a. در این سرود روش ترتیب حرف الفبا نیز رعایت شده (ر.ک. ۹) اما با چند مورد بی قاعده.
- e در این حسادت خدایی که نامش «حسود» است (خروج ۱۴:۳۴) و آن را در جاهای دیگر، با کلمات «رقابت» (تث ۲۱:۳۲) و «غیرت» (اش ۱۱:۲۶؛ ر.ک. یول ۱۸:۲) و «حسادت آمیز» (اش ۹:۶) ترجمه کرده ایم، هیچ چیز پستی وجود ندارد (پید ۱:۳۰؛ اش ۱۳:۱۱)، و نه خودخواهی تنگ نظرانه ای که منجر به هیجانانی کور گردد (پید ۱۱:۳۷، ۱۸؛ ر.ک. ۱- سمو ۱۸:۱۱-۸؛ ۱- یو ۱۲:۳). حسادت خدا از قدرت عشقش جاری می شود (ر.ک. غزل ۸:۶). عشق او ناشی از گزینش رایگان او می باشد ایجاب می کند که طرف مقابل نیز با عشقی انحصاری به آن پاسخ دهد (خروج ۵:۲۰؛ ۱۴:۳۴ و توضیحات؛ تث ۲۴:۴؛ ۵:۹؛ ۶:۱۵؛ ۱۵:۳۲؛ ۱۶:۳۲؛ ۱۹:۲۴-۲۰؛ ۲۳؛ حزق ۳:۸، ۵؛ ۵:۷۸؛ ۵۸:۷۸)؛ در غیر این صورت، حسادت مسلح به آتش خشم می شود تا هر آلبانی را پاک سازد (حزق ۵:۱۳ و توضیحات؛ ۱۶:۳۸؛ ۲۳:۳۵؛ ۳۵:۷۹؛ ۵)؛ و وقتی پاکسازی تمام شد، حسادت «دور می شود» (حزق ۱۶:۴۲) تا گریبان آزارگران را بگیرد (اش ۱۱:۲۶؛ ۱۳:۴۲ و توضیحات؛ ۱۷:۵۹؛ حزق ۱۱:۳۵ و توضیحات؛ ۵:۳۶؛ ۷-۵:۳۸؛ ۱۹:۳۸؛ صف ۱:۱۸) آنگاه حسادت نام مقدس او (حزق ۳۹:۲۵) به واسطه تقدیس «نام عظیم او که در میان ملت ها بی حرمت شده بود» (حزق ۲۳:۳۶) یعنی به واسطه نجات قوم، تجلی خواهد یافت (اش ۹:۶ و توضیحات؛ ۳۷:۳۲). در این مرحله است که ارتباط میان حسادت و «محبت» و «رحمت» و «شفقت» و «مهربانی» آشکار می شود (اش ۳۲:۳۷؛ ۶۳:۱۵؛ یول ۱۸:۲ و توضیحات؛ زک ۱:۱۴؛ ۲:۸)، حال آنکه قبلاً مانند اینجا (ر.ک. توضیحات g)، آن را در ارتباطی مستقیم با «انتقام» (اش ۱۷:۵۹) و «خشم» می دیدیم (ر.ک. توضیحات آیه ۷).
- f تحت اللفظی: «او در غضب استاد است».
- g «مخالفان» او کسانی هستند که حقوق خدمتگزاران خداوند را به تمسخر می گیرند (ر.ک. تث ۳۲-۳۵؛ ۳۶؛ ۴۱)، خصوصاً ضعیف ترین آنها را (ر.ک. مز ۹۴).

و از دشمنانش [کینه] نگاه می‌دارد^h.
^۳یهوه در خشم کند است، اما در قوت عظیم،
 یهوهⁱ هیچ کس را بدون مجازات نمی‌گذارد.^j
 راهش در تندباد و طوفان است^k،
 ابر، خاک پای‌های او است^l.
^۴دریا را تهدید می‌کندⁿ و آن را خشک می‌سازد^m،
 و تمام نهرها را خشک می‌گرداند؛
 باشان و کرمل پلاسیده می‌شود،
 و سبزه لبنان^o پژمرده می‌گردد.

خروج ۶:۳۴-۷:
 اعد ۱۴:۱۸:
 ارم ۳۰:۱۱:
 یونس ۴:۲:
 مز ۹۹:۸:

ار ۴:۲۴ کوه‌ها در برابر او می‌لرزند،

حب ۳:۶ تپه‌ها ذوب می‌شوند،

h بعضی چنین ترجمه کرده‌اند: «خشمش بر علیه دشمنانش شعله‌ور می‌شود».
i بر اساس نقطه‌گذاری متن عبری، نام «یهوه» باید در آغاز مصرع بعدی قرار بگیرد. اما شرایط ترتیب الفبایی و نیز وزن این شعر بیشتر ایجاب می‌کند که آن را در این مصرع نگه داریم. به این ترتیب، به هنگام معرفی خداوند، پنج بار نام او در مقدمه سرود برده می‌شود و یک بار در معرفی‌ای که آن را به پایان می‌برد (آیه ۷)؛ حال آنکه در تئوفانی‌ای (تجلی خدا) که در کانون این سرود قرار دارد (آیات ۶-۳۳) از او فقط با استفاده از ضمائر شخصی یاد می‌شود. علت این امر شاید احترام زیاد برای این نام نگفتنی باشد که با ترس مقدسی که از این توصیفات ناشی می‌شود هماهنگ است.

j توصیف‌هایی که در قبال دشمنانش پرهیبت است (آیه ۲)، در آیه ۳ شکلی اندکی متفاوت به خود می‌گیرد و شکیبایی او را آشکار می‌سازد (خروج ۳۴:۶). اما شکیبایی او به معنی تسلیم در مقابل شرارت نیست، بلکه وابسته به قدرت مطلق او است (ر.ک. حک ۲۳:۱۱)؛ این شکیبایی نوعی مدارای موقتی است (ر.ک. اش ۹:۴۸) و یک روز، خدای حسود و انتقام‌کش (آیه ۲) که هیچکس را بدون مجازات نمی‌گذارد (یعنی مجرم را تبرئه نمی‌کند)، سرکشان را مکافات خواهد رساند (خروج ۷:۳۴)، یعنی کسانی را که نتوانستند از فرصتی که برای توبه در اختیارشان قرار داده شد استفاده کنند (روم ۲:۴-۲؛ پطرس ۹:۳). فراسوی این شکیبایی که موقتاً مجازات را معلق نگاه داشته بی‌آنکه مجرم را تبرئه کند، در عهد جدید شکیبایی‌ای بر ما آشکار شده که تنبیه نمی‌کند، بلکه منتظر می‌ماند تا همه چیز را ببخشد و به فیض فدییه واگذارد، به کفار ای که به واسطه عیسی مسیح تحقق یافته است (ر.ک. روم ۳:۲۴-۲۶ و توضیحات؛ همچنین ر.ک. هو ۹:۱۵).

k این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «در تندباد و طوفان به پیش می‌رود».

l ابر نشانه آمدن خدا است. ر.ک. توضیحات خروج ۹:۱۹.

m تهدید قدرتمند خداوند (اش ۱۳:۱۷؛ ۹:۵۴) که دریا و رودها را خشک می‌سازد، یادآور گذر از دریای قلزم است (خروج ۱۴:۲۱؛ اش ۲:۵۰؛ مز ۷۷:۱۷؛ ۱۰۶:۹) و نیز گذر از رود اردن (یوشع ۳:۱۷-۱۴؛ مز ۱۱۴:۳-۵). اما در عین حال، یادآور قدرت مطلق خالق است (ر.ک. توضیحات اش ۹:۵۱-۱۰) که لجه اولیه را با رام کردن امواج سرکش و فراگیرنده سامان داده است (پید ۹:۱؛ اش ۹:۵۱-۱۰؛ حب ۳:۸؛ مز ۷۴:۱۲-۱۵؛ ۱۰۴:۷؛ ایوب ۲۶:۱۲). این قدرت خلاقه را در عیسی که نجات را به عمل می‌آورد، باز می‌یابیم (مت ۲۶:۸-۲۷ و توضیحات).

n «تهدید کردن» ر.ک. مز ۱۰۶:۹؛ مز ۶۸:۶؛ ۳۱:۱۱۹؛ ۲۱:۷۴؛ ۱۵.

o این مناطق به سبب ثروت تولیدات طبیعی شان مکرراً در عهد عتیق مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ ر.ک. اش ۲۹:۱۷؛ ۳۳:۹؛ ۳۵:۲؛ ۳۷:۲۴؛ عا ۱:۲؛ ۴:۱؛ توضیحات هو ۱۴:۶.

مز ۹:۶۸	زمین در برابر او بلند می شود ^p ،
	جهان و تمام آنان که در آن ساکن اند ^q .
مز ۲:۳۳ مز ۸:۷۶	در برابر غضب او کیست که بایستد،
	و کیست که در مقابل حدت خشم او تاب ایستادگی دارد؟
اش ۲۷:۳۰	غیظ او همچون آتش فرو می ریزد،
جز ۲۰:۳۸ میگ ۴:۱	و صخره ها در برابر او خرد می شوند ^r .
ار ۱۱:۳۳	یهوه نیکو است ^s برای آنان که به او امید می بندند،
اش ۴:۲۵	در روز پریشانی ملجاء است ^t ؛
مز ۶:۱	آنان را که در او پناه می گیرند می شناسد ^u ،
مز ۱۲۴:۴-۵	آن هنگام که سیل غوطه ور می سازد ^v .
حقی ۱۳:۳	او آنان را که بر علیه او قد بر می افرازند قلع و قمع می کند ^w
اش ۲۲:۸	و دشمنان خود را در ظلمات تعاقب می نماید.

p با توجه به ترجمه های آکیلا و سربانی و وولگات، می توان چنین ترجمه کرد: «زیر و رو می شود». قرائت عبری: «بلند می کند» (شاید منظور بلند کردن صدایش می باشد) یا مانند ترجمه ما «بلند می شود» (ر.ک. مز ۸۹:۱۰) (شاید به سبب زمین لرزه؛ ر.ک. عا ۸:۸؛ ۹:۵) ترجمه یونانی: «در برابر روی او، تمام زمین عقب می نشیند، همراه با آنان که در آن ساکن اند». قرائت آرامی: «می سوزد».

q. ر.ک. مز ۲۴:۱؛ ۹۸:۷.

r قرائت یکی از نسخ خطی عبری: «سوخته می شوند».

s «نیکویی» خداوند برای کسانی است که به سوی او می آیند، و «سخت گیری» او علی رغم قدرتش (آیه a۳) برای کسانی که در دور شدن از او و مقاومت در برابر او اصرار می ورزند (آیات ۲، b۳، ۸ و ر.ک. آیات c۳-۶): این دو صفت دو جنبه لاینفک رفتار او با انسان است (روم ۱۱:۲۲؛ ر.ک. بنسی ۵:۶؛ ۱۶:۱۱-۱۴). در بخش دوم ناحوم، تجلیات مختلف این نیکویی خدا را مشاهده می کنیم (c۹:۱، ef۱۲، ۱۳:۱؛ ۲:۳) و بر اساس دو کلمه پایانی کتاب (eg۱۹:۳)، خشم انتقام کش او قطعاً در ترحم او ریشه دارد، ترحمش برای قربانیان قدرت ستمگر.

t قرائت یونانی: «خداوند نیکو است برای آنانی که در روز پریشانی چشم انتظار اویند».

u منظور از «شناختن» در کتاب مقدس (ر.ک. یو ۱۰:۱۴-۱۵)، داشتن رابطه ای نزدیک و پرشفقت است (ر.ک. توضیحات عا ۲:۳).

v با توجه به تقسیم بندی بر اساس ترتیب الفبایی و برخی بخش های مشابه (مز ۳۲:۶؛ ۵۷:۲)، برخلاف نقطه گذاری متن عبری، این مصرع را به آیه قبل مرتبط ساخته ایم - ناحوم (یعنی «تسلی دهنده» مانند نوح، توضیحات پید ۵:۲۹) یادآوری می کند که خدا نسبت به آنان که به او روی می کنند توجه نشان می دهد (و یونس تصریح خواهد کرد که حتی اگر اینان اهل نینوا باشند)، حتی آن زمان که مکافات را بر دنیای گناهکار فرو می ریزد.

w تحت اللفظی: «او مکان او (ضمیر مؤنث - اشاره به شهر) را قلع و قمع می کند». ترجمه های یونانی و آرامی به جای «مکان او» عبارتی را آورده اند که ما در ترجمه خود به کار برده ایم. در اینجا منظور نینوا است (ر.ک. آیه ۱۱ توضیحات a)، شهری که در آن زمان، مانند بابل در زمان های بعدی، نماد مخالفت با نظم الهی است. این شهر می گوید: «من، و فقط من!» (صف ۱۵:۲ و بعد اش ۴۷:۸، ۱۰؛ مکا ۱۸).

استیضاح متناوب از یهودا و نینوا^x

به بزرگان یهودا

هو:۷:۱۵^۹ بر علیه یهوه چه می اندیشید؟
 ار:۳۰:۱۱ او است که قلع و قمع می کند؛
 مز:۳۳:۱۰ پریشانی دو بار سر نخواهد رسید.^۹
 داو:۹:۱۵؛ میک:۴:۷^{۱۰} زیرا ایشان همچون جنگلی انبوه از خار
 و همچون مستان از مستی خویش^Z،
 اش:۱۰:۱۷؛ یول:۵:۲^{۱۱} به مانند کاه خشک نابود خواهند شد
 تماماً.

به نینوا

اش:۳۷:۲۳-۲۴^{۱۱} از تو^a است که بیرون آمده
 آن کس که بر علیه یهوه بد می اندیشد
 و طرح های شوم^b دارد.

به یهودا

اش:۳۷:۳۶^{۱۲} چنین سخن می گوید یهوه^c؛
 هر چقدر دست نخورده و هر چقدر بی شمار باشند^d،

X در اینجا سبک ادبی جدیدی آغاز می شود که با رویدادهای مشخص مستقیماً در ارتباط است. نبی ظاهراً کسانی را مخاطب قرار می دهد که به تازگی متحمل سختی شده اند (آیات c^۹ و e^{۱۲}:۲؛ e^{۱۳}:۱ و cd^۳:۱ ر.ک.) و برای اجتناب از مشکلات جدید، به سیاستی بسیار بشری می اندیشند که خداوند در آن جایی ندارد و در نتیجه، اهانتی شمرده می شود به او (آیه a^۹: ر.ک. اش:۲۹:۱۵). نبی که از عالم بالا تنویر یافته، به ایشان اعلام می دارد که خداوند خودش آنانی را که ایشان از آنان واهمه دارند قلع و قمع خواهد کرد (آیات b^۹، c^{۱۰}، c^{۱۲}، ۱۳: ر.ک. ef^۱:۲؛ ۱۴:۱) و طرح های کوتاه بینانه ایشان را از میان خواهد برد و به این ترتیب، بطالت این طرح ها را آشکار خواهد ساخت (ر.ک. توضیحات ۱- قرن ۱:۱۹). اما این گونه نیز می توان برداشت کرد که در این آیه طرح هایی مدنظر باشد که شخص بداندیش با طرح های شوم (آیه ۱۱) و خاصانش، علیه خداوند تدارک دیده اند؛ و خداوند این طرح ها را قلع و قمع می کند. در این صورت، نبی فقط از آیه ۱۳ و بعد در ۱:۲، قوم را مخاطب قرار نمی دهد (ر.ک. توضیحات بعد و توضیحات ۱:۱۲).

Y این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «لازم نخواهد بود که پریشانی برای بار دوم سر برسد». ر.ک. ۱- سمو ۲۶:۸؛ ۲- سمو ۱۰:۲۰.

Z ترجمه این بیت دشوار است. یونانی این مصرع را این چنین قرائت می کند: «همچون نیلوفر بیج به هم پیچیده».

a ضمیر «تو» در عبری مؤنث است و شهری را مدنظر دارد که فقط در ۲:۹ و ۳:۷ از آن نام برده می شود؛ به نظر می رسد که در آیه ۸ نیز این شهر مدنظر باشد (ر.ک. توضیحات ۱:۸).

b تحت اللفظی: «مشاوره بلبلال». علاوه بر پادشاه کنونی نینوا (ر.ک. آیه ۱۴ و توضیحات ۱:۲) شاید نبی به «آن کس که به خدای زنده اهانت کرد» (۲- پاد ۱۹:۴، ۱۶) یعنی سنخاریب می اندیشد.

c قرائت یونانی: «چنین سخن می گوید یهوه که بر آب های عظیم سیطره دارد؛ ایشان به همین شکل جدا خواهند شد و دیگر کسی نخواهد شنید که درباره تو سخن گویند».

d «دست نخورده» را می توان «فشرده» یا «شجاع» نیز ترجمه کرد. به این ترتیب، می توان نتیجه گرفت که قدرت جنگی آشور هنوز دست نخورده بوده است.

مز ۷۵:۷۱:۱۱۹

لاو ۱۳:۲۶:
اش ۲۵:۱۴:
ار ۸:۳۰:
جز ۲۷:۳۳:
مز ۱۴:۱۰۷:

درو شده نابود خواهند شد.^e
اگر تو را خوار ساختم،
دیگر خوارت نخواهم ساخت.^f
۱۳ و اینک یوغش را از رؤیت خرد خواهم کرد^g
و بندهایت را خواهم گسیخت.

به پادشاه نینوا

۱۴ اینک آنچه که بیهوه بر علیه تو امر می کند^h:
از نام تو دیگر اعقابی وجود نخواهد داشت!ⁱ
از خانه خدایانت نابود خواهم ساخت
تمثال ها و بت های فلز ذوب شده را؛
از مقبره ات رسوایی خواهم ساخت.^j

۱۰:۳
مز ۱۳:۱۰۹
ار ۱۱:۱۰

جز ۲۳-۲۲:۳۲
دان ۲۷:۵

به یهودا

۲ k۱ اینک بر روی کوه ها
پای های آن کس که خبر خوش می آورد^l
و آرامش را اعلام می دارد.

روم ۱۵:۱۰

اش ۲۹:۳۰

e تحت اللفظی: «خواهد گذشت».

f ر.ک. ۱:۲. اگر مخاطب نینوا باشد، می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «تو را خوار خواهم ساخت و دیگر نیازی نخواهد بود بار دیگر خوارت سازم». ر.ک. توضیحات ۹:۱.

g می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «چماقش را که تهدیدت می کند (تحت اللفظی: چماقش را از روی تو)»: ر.ک. اش ۳:۹: ۱۰:۲۴: ۵:۱۴. بر اساس این آیه، گویی یهودا زیر یوغ آشور بوده است، یهودا عملاً از مدتی پیش، در پایان سلطنت آشوربانیپال (۶۳۰ ق.م.) از این یوغ رهایی یافته بود.

h نبی نینوا را مخاطب قرار می دهد و از پادشاهش استیضاح می کند (ضمیر «تو» در عبری مذکر است) در نظر آنانی که این نبوت را مربوط به سال های آخر امپراطوری آشور می دانند، در اینجا منظور سین شاریشکون است که به هنگام تصرف نینوا در ماه های ژوئیه و اوت ۶۱۲ ق.م. ناپدید شد. اما شاید هم منظور سلطانی باشد که به تازگی موجب پربشانی در یهودا شده بوده (آیه ۵) و آن را خوار ساخته بوده (آیه ۲) و سرزمین را درنوردیده (۲: ۵۱)، و آن را زیر یوغ خود نگاه می دارد (آیه ۱۳) و می رود تا تیس را غارت کند (۳: ۸) و توضیحات: در این صورت، این سلطان کسی نیست جز آشوربانیپال (۶۶۸-۶۳۰ ق.م.): ر.ک. توضیحات ۱:۲.

i ر.ک. اش ۲۰:۱۴: مز ۲۸:۳۷: ایوب ۱۸:۱۹. سلسله حاکم بر آشور با دو پسر آشوربانیپال، یعنی آشورتی لبنانی و سین شاریشکون به خاموشی گرایید: پیش از ایشان از زمان تیغلت فلاسر سوم (۲. پاد ۱۹:۱۵، ۲۹)، شش پادشاه مشهور از این سلسله ظهور کردند.

j ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان. قرائت متن عبری: «گورت را آماده خواهم ساخت زیرا که سبک هستی».

k در وولگات، این آیه در انتهای فصل ۱ آمده و آیه ۱۵ آن را تشکیل می دهد: به همین دلیل، شماره گذاری آیات در برخی از ترجمه ها یک شماره از آنچه در ترجمه ما آمده، عقب است.

l این اصطلاح در اش ۷:۵۲ تکرار شده است.

اعبادت را جشن بگیر، ای یهودا، نذرهایت را وفا کن ^m	اعد ۳:۳۰ اش ۱:۵۲ یول ۱۷:۴ زک ۸:۹
زیرا که آدم بی ارزش ⁿ دیگر از نزد تو نخواهد گذشت: او بالکل نابود شده است!	
س ^۳ چرا که یهوه جلال یعقوب را باز آورده ^t	اش ۱:۶۰
همچون جلال اسرائیل ^u ؛	اش ۱:۳۳
زیرا ویرانگران ایشان را ویران کرده بودند، شاخ‌های رز او را خراب کرده بودند ^v .	مز ۸۰:۱۳-۱۷

به نینوا^o

ویرانگری بر علیه تو بر آمده است ^p ؛ دژ را نگاه دار،	اش ۲:۲۱ ار ۱۲:۵۱
---	---------------------

m احتمالاً منظور نذرهایی است که مردم به خدا کرده بودند برای آنکه از شر دشمن خود خلاص شوند.
n تحت اللفظی: «بلععال» (ر.ک. ۱۱:۱ و توضیحات) که به چیز یا کسی «بی ارزش» (ر.ک. تث ۱۳:۱۴ و توضیحات: ۱- پاد ۱۳:۲۱؛ ایوب ۱۸:۳۴؛ امث ۱۲:۶) اشاره می کند؛ اما در واقع، مقصود چیز (مز ۹:۴۱) یا شخصی (امث ۲۷:۱۶) بسیار بدکار است. از این رو، بلععال (یا بلعبار) تبدیل به یکی از نام‌های شیطان خواهد شد (ر.ک. ۲- قرن ۱۵:۶ و توضیحات). از نظر ریشه شناسی، کلمه بلععال می تواند به مکانی اشاره کند که از آن نمی تواند برآمد، یعنی همان شئول (ر.ک. مز ۵:۱۸ و توضیحات: ۹:۴۱ و توضیحات: ۳:۱۰۱ و توضیحات): در نتیجه، این کلمه با قدرت‌های جهنمی یا همان ورطه یا لجه، ارتباطی خاص دارد، همچون چیزی که باعث بروز پریشانی و اغتشاش باشد، یا دشمن راستی (امث ۲۸:۱۹) در اینجا منظور دقیقاً کسی است که در نظر نبی، دشمن بزرگ حق مردم و قوم‌ها است، همان کسی که «طرح‌های شوم» دارد (۱۱:۱) یعنی پادشاه نینوا، آشوربانیپال (ر.ک. ۸:۳ و توضیحات).

s این آیه را ما قبل از آیه ۲ آورده ایم تا توالی مطالب بهتر حفظ شود.

t دو مصرع اول این آیه را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «یهوه تکبر یعقوب را برقرار خواهد داشت، یعنی تکبر اسرائیل را» (ر.ک. توضیحات از ۱۴:۲۹). معمولاً چنین برداشت می شود که یعقوب و اسرائیل، هر دو به بازمانده قوم عهد، یعنی اهالی یهودا (ر.ک. آیه ۱)، اشاره دارد؛ در بخش دوم اشعیا (اش ۲۷:۴۰ و غیره) و نیز میک ۱:۳ همین مفهوم بیان شده است. اما برخی دیگر بر این عقیده اند که منظور اعلام برقراری دو بخش قوم برگزیده است (مانند هو ۲:۲؛ اش ۱۳:۱۱؛ ار ۱۸:۳؛ ۶:۲۳؛ ۲۷:۳۱-۲۸؛ ۷:۳۳؛ حزق ۱۵:۳۷-۲۸؛ زک ۶:۱۰): این برقراری مجدد مرتبط است با نابودی آنانی که باعث اضمحلال سلطنت شمالی شده بودند، یعنی آشوریان، یعقوب در اینجا نماینده یهودا و اسرائیل که مملکت شمالی بود می باشد. به هر حال می توان چنین برداشت کرد که در اینجا به نجات کل اعقاب یعقوب، یعنی «تمامی خانواده‌های اسرائیل» (ر.ک. ار ۱:۳۱، ۳۳) اشاره می شود. در یع ۱:۱ و مکا ۴:۷ همین مفهوم، اما با نگرشی جدید مطرح شده است.

u ر.ک. توضیحات عا ۸:۶ و روم ۱۷:۲.

v رز یا تاک نشانه رونق سرزمین (اعد ۱۳:۲۳) و تصویری است از خود قوم (ر.ک. توضیحات اش ۱:۵) در مورد ویرانی که در اینجا ذکر شده ر.ک. ۱۲:۱ و توضیحات ۱۴:۱.

o با این آیه، عملاً بخش سوم کتاب (۲:۴ تا ۱۹:۳) آغاز می شود که به ویرانی نینوا می پردازد و همچون قطعه شعری است پرصلابت.

p تحت اللفظی: «گریزی بر علیه رخسار تو بر می آید» با اینکه می توان این را اشاره ای دانست به یک شخص خاص، اما باید توجه داشت که ناحوم به هنگام اعلام نابودی نینوا، هیچ جا درباره فردی معین سخن به میان نمی آورد. قرائت یونانی: «برآمده است آن کس که به رخساره او می دمد و از پریشانی رهایی می دهد».

۱۴:۳

راه را مراقبت کن^q، کمرت را مستحکم نما^r،
تمام نیروهایت را گرد آور.

اش ۹:۲۱

سقوط کرده، سقوط کرده!

سقوط نینوا

^۴ سپر شجاعانش^w به رنگ سرخ رنگ شده،
مردان دلیرش به ارغوانی پوشیده شده اند؛
ارابه هایش در آتش فولاد [پیش می روند]^x
آن روز که آنها را به صف می کنند؛
و سواران^y می چرخند؛
^۵ ارا به ها در کوی ها بیداد می کنند،
به میدان ها هجوم می آورند^z؛
جلوه شان جلوه مشعل ها است،
به سان رعد به اینجا و آنجا می دوند.
^۶ دسته های نخیگان را فرا می خوانند^a،
در حرکت خود می لغزند،
به سوی حصار می شتابند؛
سقف محافظ^b را مرتب می کنند.
^۷ درهای نهرها گشوده شده

اش ۲۳-۳:۱۴
صف ۱۵-۱۳:۲:۲:۳
ار ۹:۴۶

بول ۵:۲

ار ۱۶، ۱۲:۴۶

اش ۲-۱:۴۵

q (آیه ۹-۱۱) این متن اتفاقی را که افتاده توضیح نمی دهد بلکه تصور درباره حمله آخر بر ضد شهر که از سه سال پیش محاصره شده است. مثلا اش ۲۸:۱۰-۳۴ حمله آشور بر ضد صهیون.

r یعنی «محکم بایست» و یا اینکه با تمام قدرت خود در نبرد مبارزه کنید. همانطور که آیه ۴ به آن اشاره دارد.
w منظور یا شجاعان آن «ویرانگر» می باشد (۲:۲) یا ابزارهای خود خداوند (۳:۲).

x تحت اللفظی: «در آتش فولادهای (?)» ارا به ها. می توان این گونه نیز استنباط کرد: «به سان آتش، پوشش های ارا به ها» (یعنی پارچه هایی که با آنها برای ارا به ها پوشش می ساختند). قرائت یونانی و وولگات: «به سان آتش، مهارهای ارا به ها».

y تحت اللفظی: «سروها» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی و سریانی.

z منظور محل های واقع در مقابل دروازه ها (نح ۸:۱)، خارج از شهر می باشد. در پید ۱۱:۱۰، نینوا «شهری با میدان های بزرگ» توصیف شده است.

a طبق متن عبری، در اینجا گویا پادشاه آشور دسته های نظامی نخبه خود را به یاد می آورد که در اینجا شاهد لغزیدن و افتادن ایشان است.

b منظور نوعی سپر گروهی است که مهاجمان را در پای دیوار شهر از تیرها و سلاح هایی که از روی دیوار به سوی آنها پرتاب می شود محافظت می کند. چنین سپری را می توان در نقش برجسته های نینوا مشاهده کرد که یادآور تصرف لاکیش به دست سنخاریب می باشد (ر.ک. ۲. پاد ۱۹:۳۲؛ توضیحات حزق ۲۶:۸).

- و کاخ فرو می‌ریزد.^c
^a و آن بانوⁿ را بیرون می‌آورند، او را به تبعید می‌برند،
 و ندیمه هایش ناله می‌کنند، به سان آوای کبوتران^e؛
 سینه زنی می‌کنند.
^g و نینوا همچون حوضچه ای است
 که آب هایش می‌گریزد.^f
 «بایستید! بایستید!»
 و حتی یک نفر هم بر نمی‌گردد.
^h «نقره را غارت کنید! طلا را غارت کنید!»
 و برای ذخایرش حدی نیست،
 و فور تمام اشیاء قیمتی است!
ⁱ ویرانی، خون‌ریزی، و غارت^g!
 و دل‌ها آب می‌شود^h و زانوها می‌لرزد،
 و تمام گرده‌ها در هراس اند
 و تمام رخسارها درخشش خود را از دست داده‌اند.ⁱ
- اش ۱۴:۳۸؛
 ۱۱:۵۹
 حز ۱۶:۷
 ۱۷:۳
 ار ۵:۴۶
 حب ۸:۲
 مز ۱۱:۱۰۹
 ۹، ۱:۳
 ار ۱۶:۳۰
 صف ۱۳:۲
 دان ۶:۵
 یول ۶:۲

c ر. ک. اش ۱۴:۳۱؛ مز ۷۵:۴. دشمن شهر را از نقطه‌ای مورد حمله قرار می‌دهد که بهتر از سایر نقاط مورد محافظت قرار دارد، یعنی از نقطه‌ای که در احاطهٔ دجله و شعبهٔ آن، «خوسر» می‌باشد و کاخ‌های سلطنتی در همانجا قرار دارد. عبارت «درهای نهرها» را می‌توان همچون شیرهایی پنداشت که وقتی باز می‌شوند، همه جا را زیر آب فرو می‌برد. شاید هم بتوان آن را نوعی رؤیای نبوتی دانست که در آن، نهرها یا سیلاب‌های اقیانوس اولیه (ایوب ۳۸:۸-۱۱) (مانند سیلاب‌های مذکور در مز ۹۳:۳) گشوده می‌شوند و کاخ آن «آدم بی‌ارزش» (توضیحات ۱:۲) و شهر عظیمش، تحت فشار این نیروهای ماورایی در لحظه‌ای مجدداً تبدیل به ورطه و لجه می‌شود (ر. ک. ۸:۱ و توضیحات ۴:۱).

d «بیرون می‌آورند»: ترجمهٔ ما مبتنی است بر حدس. «آن بانو» (شاید منظور ملکه باشد): «آن را بر می‌آورند (مؤنث)». این آیه در عبری با فعلی مذکر آغاز می‌شود («او بر یا داشته شده»): «قیمهی» این آیه را به آیه قبلی متصل می‌داند و معتقد است که منظور کاخ است که به خوبی بر پا داشته شده. اما «راشی» فعل مورد استفاده را مؤنث می‌گیرد (!) و آن را سوگلی پادشاه می‌پندارد که بردست راست او «مقرر» شده است (ر. ک. مز ۴۵:۱۰). مضمون بلافصل و دورتر این آیه (cd ۱:۴) ما را به این سمت سوق می‌دهد که این فعل را مانند یونانی، بیشتر یک نام تلقی کنیم. در این صورت، می‌توان آن را تمثال «ایشثار»، الههٔ شهر دانست (ر. ک. توضیحات هو ۱۰:۶).

e فعلی که در اینجا در عبری به کار رفته، مبهم است و می‌تواند در آن واحد به رفتن به تبعید (مانند ترجمه‌های یونانی و آرامی - که ما در ترجمهٔ خود از آنها استفاده کرده‌ایم)، و به نالهٔ زنان اسیر، یعنی کاهنه‌های الهی، دلالت داشته باشد.

f «آب‌هایش می‌گریزد»: ر. ک. مز ۷:۱۰۴. گویا تمام ثروت‌های این شهر بزرگ مثل آب‌ها از حوضچه می‌گریزند. «بایستید، بایستید»: پیغمبر است که با دیدن فرار و بی‌نظمی مدافعان و ساکنان این شهر تقاضا دارد این فرار بیهوده را متوقف کنند.

g این کلمات در عبری شباهت آوایی دارند («بوقا، اومووقا، اوموولاقا»): ر. ک. اش ۲۲:۵؛ ۲۴:۱۷؛ ار ۴۳:۴۸.

h یعنی شجاعت افراد از میان می‌رود. در مورد اصطلاح «دل‌ها آب می‌شود» ر. ک. تث ۲۰:۸؛ یوشع ۲:۱۱؛ ۵:۱؛ ۷:۵؛ اش ۱۳:۷؛ ۱۹:۱؛ حزق ۲۱:۱۲؛ ار ۴:۹؛ مز ۲۲:۱۵.

i تحت اللفظی: «و لرزه در تمام گرده‌ها (ر. ک. اش ۲۱:۳) و رخسار همگی ایشان رنگ تیره (یا رنگ سرخ تیره) را انباشته می‌کند»: ر. ک. توضیحات اش ۱۳:۸. می‌توان این گونه نیز استنباط کرد: «تمام رخسارها کبود می‌شوند (یا در هم می‌شوند)».

زمین از دست شیر آرامی می یابد

^{۱۲}لانه شیران کجا است،

غار شیربچگان^۱؛

آنجا که شیر، بچه های خود را می برد،

بی آنکه کسی آنها را مضطرب سازد^k؟

^{۱۳}شیر برای حاجت بچه هایش می درید

و برای ماده شیران خفه می کرد؛

دخمه های خود را از شکار پر می ساخت

و مغاره های خود را از غارت^۱ها.

^{۱۴}اینک من بر علیه تو هستم^m - وحی یهوه لشکرها -

ارابه هایⁿ را در دود به شعله خواهم کشاند

و شیربچگانⁿ را شمشیر خواهد درید.

غار^o های^o را از زمین محو خواهم ساخت

و دیگر صدای پیام آوران^p را نخواهند شنید.

شهر خون ریز تسلیم کشتار می شود

^۳ ۱وای بر شهر خون ریز،

تماماً دروغ،

پر از غارت،

جایی که بغما هرگز در آن کم نمی آید^۹!

ژ می توان این گونه نیز قرائت کرد: «شیربچگان در آنجا چراگاه خود را دریافت می کردند».

k تحت اللفظی: «تا آنجا بیاورد». دو مصرع آخر را می توان به این گونه ها نیز ترجمه کرد: «ماده شیر آنجا می ماند» یا «شیر نر،

ماده شیر به آنجا می رفتند، شیربچه، بی آنکه کسی آنها را مضطرب سازد» یا طبق ترجمه های یونانی و سریانی و وولگات:

«شیر در آنجا عزلت می گزید، بچه شیر و کسی مضطرب نمی ساخت».

l نینوا همچون غارتگر تمامی زمین معرفی شده است.

m ضمیر «تو» در عبری مؤنث است (ر.ک. توضیحات ۱۱:۱). در اینجا، از «شیر» که مذکر است و داستان اخلاقی آیات ۱۲

و ۱۳ را تشکیل می دهد، به چیزی که این «شیر» به ذهن نبی متبادر می سازد، یعنی نینوا می رسیم (ر.ک. توضیحات اش

۲۹:۵).

n قرائت عبری: «ارابه هایش» ترجمه ما مبتنی است بر وولگات. تفسیر قمران و یونانی و سریانی: «جماعت انبوهت را» برخی

دیگر چنین ترجمه می کنند: «لانه ات را به دود کشیده، تخلیه خواهم کرد».

o «چیزهای که تو از هم گسیختی»: در متن عبری این اصطلاح چهار بار در خط ۱۳ و ۱۴ تکرار می شود.

p ترجمه ما مبتنی است بر تفسیر قمران و ترجمه های آرامی و وولگات. قرائت عبری: «پیام آورت» قرائت ترجمه های یونانی و

سریانی: «اعمال».

q این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «بدبخت آن شهر خون ریز، تماماً تقلب، پر از غارت که هیچگاه طعمه خود را رها نمی سازد!»

(ر.ک. اش ۱۷:۱۴): اما می دانیم که پادشاهان آشور گاه طعمه های خود را رها می کردند، مثلاً نکوی اول (حدود ۶۶۵

ق.م.) و بعل صور (حدود ۶۶۱ ق.م.) را.

ار ۳:۴۷
 حز ۱۰:۲۶
 گوش فرا دهید! صدای شلاق!
 گوش فرا دهید! خروش چرخ‌ها!
 اسبانی که به تاخت می‌روند^F،
 ارا به‌هایی که می‌جهند،
 اسب سوارانی که حمله‌ور می‌شوند!
 و شعله‌های شمشیرها،
 برق‌های نیزه‌ها،
 زخمیان در حال مرگ، انبوه،
 قربانیان توده توده،
 اجساد بی‌انتها،
 بر روی اجساد می‌لغزند.

روسپی بی‌رحمانه پژمرده می‌شود

مکا ۳:۱۸:۱۷
 ۲-۹:۲۲:۲۲
 اش ۱۲-۸:۴۷
 ۲:۱۹
 مکا ۲۳:۱۸
 ۱۴:۲
 حز ۳:۲۶
 ۲۲:۲۸
 اش ۳-۲:۴۷
 ۲۶:۲۲:۱۳
 حقی ۱۶:۲
 مکا ۱۶:۱۷
 ۹:۲۵
 ار ۴:۱۵
 ۶:۵۱
 مکا ۱۰:۱۸
 صف ۱۳:۲
 اینک برای روسپیگری بی‌شمار آن روسپی^S
 که از زیبایی دلپذیر بود و استاد در افسونگری،
 و ملت‌ها را در اثر روسپیگریهایش می‌فروخت^T
 و قوم‌ها را در اثر افسونگری‌هایش!
 اینک من بر علیه تو هستم - وحی یهوه لشکرها -
 دامنه‌های ردایت را بر روی صورتت بالا خواهم زد^U،
 عریانی‌ات را بر ملت‌ها نمودار خواهم ساخت،
 و به مملکت‌ها، ننگت را.
 بر رویت کثافات^V خواهم افکند،
 تو را سرشکته ساخته، به نمایش خواهم گذارد^W.
 آنگاه هر که تو را ببیند،
 گریخته، از تو دور خواهد شد و خواهد گفت:
 «ویران شد، نینوا!»

F یا «سم کوبان و شبهه زنان می‌روند»، مانند سریانی و وولگات.
 S روسپیگری که به نینوا نسبت داده می‌شود، فقط به خاطر کامیابی بازرگانی آن نیست (۱۶:۳) و ر.ک. توضیحات اش (۱۵:۲۳)، بلکه به خاطر سیاست مبتنی بر تملق و تزویری نیز هست که به واسطه آن، راه را برای فتوحاتش هموار می‌کرد.
 T یعنی اینکه آنها را به بندگی درمی‌آورد؛ ر.ک. تث ۳۰:۳۲؛ داور ۲:۱۴؛ ۳:۸؛ ۴:۲؛ ۹؛ ۷:۱۰؛ ۱- سمو ۹:۱۲؛ حقی ۱۲:۳۰.
 U طبق تفسیر قمران: «بالا خواهی زد».
 V «کثافات» اشاره‌ای است به بت پرستی؛ ر.ک. توضیحات ار ۱۸:۱۶؛ توضیحات ۱- پاد ۱۵:۱۲.
 W طبق تفسیر قمران: «تو را بیزار کننده خواهم ساخت».

چه کس بر او دل خواهد سوزاند^x?
از کجا برایت^y تسلی دهند بجویند?

تو نیز

آیا تو از نو-آمون^z بهتر هستی

که در میان نیل ها نشسته

آب ها احاطه اش کرده،

دیوار اندرونی اش دریا است

و آب ها^a حصارهایش می باشند؟

کوش^b قدرت او بود، و مصر نیز،

تا به نهایت؛

فوط و مردمان لیبی^c

انصارش^d بودند.

او نیز به تبعید [رفته است]،

به اسارت رفته است؛

حتی بچه های کوچکش له شده اند

در مدخل تمامی برزن ها^e،

حز ۳:۲۹-۴

اش ۲۰:۵

۱۰:۲

اش ۲۰:۴

۲-یا ۱۲:۱۲

اش ۱۳:۱۸

x «ویران شده نینوا»: ر. کاش ۲۱:۲۳؛ ۱:۵؛ ۶:۶؛ ۲۶:۱۲؛ ۱۲:۱۵؛ ۸:۱۵؛ اش ۱۵:۵؛ ۱۹:۵۱.

y قرائت یونانی: «برای او (مؤنث)».

z «نو-آمون» همان شهر معروف تبس است. ترجمه آرامی و وولگات و ربی ها آن را به اشتباه اسکندریه پنداشته اند. نو-آمون به

تلفظ مصری «نوت-آمون» است، یعنی خانه خدای آمون (ر. ک. توضیحات از ۲۵:۴۶؛ حزق ۱۴:۳۰). آشوربانیپال در سال

۶۶۷ ق. م. به هنگام نخستین جنگش با مصر در طول سلطنت خود، آن را به تصرف درآورد، و برای این منظور، بیست و دو

پادشاه، از جمله منسی پادشاه بهودا را به خدمت گرفت. در سال ۶۶۳ ق. م. به دنبال اشغال مجدد مصر به دست آخرین پادشاه

سلسله نوبی، آشوربانیپال مجدداً وارد عمل شد و این بار به طور خاص نسبت به تبس خشونت فراوان به کار برد. گویا نبی تحت

تأثیر بازتاب این پیروزی قرار دارد. اما خاموشی مصر دیری نپایید و هفت سال بعد، استقلال خود را باز یافت. از ۶۱۶ ق. م. به

بعد، مصر خواهد کوشید آشور رو به افول را تحت انقیاد درآورد، بی آنکه توفیق چندانی در این امر نصیبش شود؛ در طول این

اقدامات، برای چند سال فلسطین را به حوزه نفوذ خود ضمیمه خواهد کرد. به همین جهت، دشوار بتوان اندکی پیش از ۶۱۲

ق. م. و حتی چند سال پس از ۶۶۳ ق. م. به ویرانی تبس و مصر همچون فاجعه ای جبران ناپذیر اشاره کرد. در اینجا نبی که نینوا

را مخاطب قرار می دهد، آنچه را که (شاید هم به تازگی) بر تبس گذشته، تکان دهنده ترین وسیله قیاس می یابد تا مصیبتی را

که انتظار نینوا را می کشد به آن هشدار دهد (آیه ۱۱). آیات ۸-۱۱ را می توان نوعی پاسخ تلقی کرد به اش ۱۰:۸-۱۱ (ر. ک.

توضیحات اش ۹:۱۰). در عاموس نیز (ر. ک. انتهای توضیحات ۲:۶) تهدیدی مشابه را مشاهده می کنیم.

a این احتمالاً اشاره ای است به عظمت رود نیل، شاید هم به عناصری در معماری شهر اشاره می کند، یعنی به برجستگی هایی که

بر دیوارهای تبس به شکل امواج آب نقش شده بود. متن عبری به جای «آب ها»، «دریا» قرائت می کند. ترجمه ما مبتنی

است بر ترجمه های یونانی و وولگات. (امروزه نیز مردم مصر، «نیل» را دریا می خوانند/ویراستار).

b کوش یا نوبی منطقه ای واقع در جنوب مصر، در آن سوی آبشار دوم. این منطقه خاستگاه فرعون های سلسله بیست و پنجم است

که با سقوط تبس به پایان رسید.

c در خصوص فوط، ر. ک. توضیحات اش ۱۹:۶۶.

d قرائت عبری: «انصار» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی.

e ر. ک. توضیحات مز ۹:۱۳۷.

و در اشرافش قرعه انداخته اند
 و بر تمامی بزرگان‌ش زنجیر نهاده اند.
 ۱۱ تو نیز مست خواهی شد^f؛
 مبهوت خواهی شد؛
 تو نیز خواهی جست ۳۰:۲۰-۱
 پناهگاهی^g در برابر دشمن!

شکنندگی ناگهانی آن تصرف ناشدنی^h

۱۲ جمله دژهایت درختان انجیرند ۶:۱-۶
 با انجیرهای زودرس؛
 اگر آنها را بتکانند، می افتند ۱۳:۶-۱۳
 در دهان آن کس که آنها را می خورد.
 ۱۳ قومت را ببین:
 زنان اند در میان تو!
 به روی دشمنانت تماماً باز می شوند
 دروازه های سرزمینت؛
 آتش پشت بندهایتⁱ را از میان برده است.
 ۱۴ برای محاصره، آب بکش^j؛
 دژهای خود را مستحکم ساز،
 داخل گل شو و خاک رس را لگدمال کن،
 قالب آجر را به دست بگیر.
 ۱۵ در آنجا، آتش، نابودت خواهد ساخت،
 شمشیر، تو را از میان خواهد برد. ۳:۲-۳

f اشاره ای است به جام غضب خدا (ر.ک. توضیحات حب ۱۶:۲؛ عو ۱۶:۱۶؛ مکا ۱۶)، یا به حالت بهت و دیوانگی و هذیان (ر.ک. اش ۲۹:۹-۱۰؛ ار ۷:۵۱) که گریبانگیر کسانی می شود که در محاصره اند و در آستانه تسلیم قرار دارند.

g تفسیر فرمان اضافه می کند: «پناهگاهی در شهر».

h در اینجا لحن نبی حالت کنایه آمیز بیشتری به خود می گیرد؛ نینوا که بیش از حد به خود مطمئن است، دژها و استحکامات خود را نادیده گرفته و زمانی که دست به کار می شود، غافل گیر می گردد (آیات ۱۴-۱۵).

i دروازه و پشت بندهای سرزمین اشاره به دژها و استحکامات است (آیه ۱۲) که سیستم دفاعی نینوا را تشکیل می دهند (ر.ک. اش ۵:۱۵ که متن عبری آن می گوید: «پشت بندهایش تا به صوغر»). شاید این اشاره ای باشد به رویداد سال ۶۱۴ ق.م. در این صورت، عملیات مشترک نبوپولاسار و کیاکسار متوجه چندین دژ آشور می شده: ارافه (کرکوک)، تریسو (در ۵ کیلومتری نینوا)، آشور و غیره. اگر چنین باشد، تاریخ این نبوت را می توان بین سال های ۶۱۴ و ۶۱۲ ق.م. دانست. اما زبان این آیات چندان هم دقیق نیست: با اینکه «قالب آجر» می تواند مربوط به منطقه مورد نظر باشد، اما «کشیدن آب برای محاصره» حاکی از این است که نویسنده از اهالی یهودا بوده و با مضمون متن سازگاری ندارد.

j در زمان محاصره دشمن پل آبرسانی که از کوههای نزدیک آب ها رابه نینوا می آورد خواهند بست پس باید ساکنان شهر آب ها را ذخیره کنند.

خود را همچون ملخ انباشته ساز،

۱۴:۲

خود را همچون ملخ انباشته ساز،

جز ۱۶:۲۸

۱۶ الف تاجران خود را کثیر گردان

بیش از ستارگان آسمان؛

بول ۱:۲۵:۲۰۴
مکا ۳:۹

۱۷ الف بزرگان ت به سان ملخ می باشند

و کاتبانت^k به سان دسته ملخ ها

که بر روی پرچین^m ها اردو می زنند^l

مکا ۲۱:۱۸

در روز سرما.

خورشید بالا می آید،

۱۶ ب ملخ بال های خود را می گشاید و پرواز می کند،

۱۷ می گریزد و کسی نمی داند کجا است.

سرود عزا

۱۸ چوپانانت خواب آلوده اندⁿ، ای پادشاه آشور،

۶:۲
ار ۳۹:۵۱
جز ۲۲:۳۲

اشرافت در خواب اند^o،

قومت بر روی کوه ها پراکنده شده^p،

و کسی نیست که او را گرد آورد!

ار ۱۹:۱۰
۹:۵۱:۱۲:۳۰

۱۹ برای شکستگی ات درمانی نیست،

جراحی را علاجی نمی باشد!

هر که سخنی در موردت می شنود

درباره ات دست می زند^q.

زیرا بر چه کس نگذشته است

بدکاری ات، دائماً؟

یون ۲:۱
۱:۲
اش ۷:۱۰
۱۳-۱۱:۳۷

k. ر. ک. ار ۲۷:۵۱. اشاره به «کاتبان» می تواند حاکی از فعالیت های اداری و نیز ادبی باشد که در مشخصه دوره سلطنت آشوربانیپال می باشد.

m یا «دیوار کوتاه»، «حصار»: ر. ک. توضیحات ار ۳:۴۹.

l لغت «دسته» می تواند اشاره ای باشد نه فقط به یک طبقه از کارکنان اداری، بلکه به تمام اهالی نینوا که احتمالاً بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر بود.

n زیرا اکنون مأموریت به پایان رسیده است (ر. ک. اش ۲۷:۵ و ۱۲:۱۰) و حتی چیزی بیش از آن (ر. ک. توضیحات حب ۱۱:۱).
o مانند مز ۱۷:۹۴، منظور احتمالاً خواب مرگ است در گور (ر. ک. ۱۴:۱).

p در سال ۶۱۲ ق. م. آشور - اوبالیت دوم که ظاهراً سردار سپاه آشور بود، جانشین سین شاریشکون گردید (ر. ک. توضیحات ۱۴:۱): او به سال ۶۰۶ ق. م. مرد. در سال ۶۰۹ ق. م. آخرین سپاهیان آشور تحت فرماندهی او، علی رغم کمک نکو، فرعون مصر، در نزدیکی حران به دست سپاه بابل به رهبری نبوپولاسار شکست خورد و پراکنده شد و بابلی ها ایشان را تا به کوه های ارمنستان تعاقب کردند. به نظر می رسد که در کتاب مقدس، «کوه» مشخصه متداول چین صحنه هایی باشد؛ ر. ک. ۱- پاد ۱۷:۲۲؛ حزق ۳۴:۶؛ مت ۱۲:۱۸.

q تحت اللفظی: «بر علیه تو دست می کوبد». ر. ک. ایوب ۲۳:۲۷؛ مرا ۱۵:۲.